

مقدمه

در شرایط حساس کنونی، و با توجه به احیاء معاونت پرورش در وزارت آموزش و پرورش که قطعاً قبل از آن با حذف امور تربیتی جایگاه هنر هم در آموزش و پرورش به فراموشی سپرده شده بود، ولی تصمیم انقلابی دولت نهم که جاری و ساری ساختن صدقه جاریه شهیدان رجائی و باهنر را به همراه داشت قطعاً با طرح مقوله هنر و آفرینشهای هنری که بطن، و اساس و پایه فعالیت‌های امور تربیتی به حساب می‌آید در سطوح مختلف تحصیلی و در جامعه انقلابی ما تبدیل به مسئله‌ای فوری و فوتی گردیده که شاید پس از گذشت چندین سال از تعطیلی و به دست فراموشی سپرده شدن امور تربیتی این تنها فرصت تاریخی بسیار مغتنم و عزیزی باشد برای پرداختن به هنرآموزی و پرورش ذوق و استعداد فرزندان کشور و آشنایی آنان با میراث‌های گرانبها و ارزشهای معنوی والا و انقلابی که ریشه در اندیشه‌های ناب و روح بخش معمار بزرگ انقلاب و مردان بزرگواری همچون شهیدان رجائی و باهنر و هزاران شهید گلگون کفنی که زیباترین جلوه‌های هنر را با ایثار جان خود به نمایش گذاشتند و برماست که امروز با برافروخته و شعله‌ور شدن مجدد چراغ نورانی و فروزان امور تربیتی بتوانیم آنگونه که بایسته و شایسته انقلاب اسلامی می‌باشد و با بهره‌گیری از هنر این چراغ را نورانی‌تر و فروزان‌تر از گذشته نگاه داریم و بر غنای هنر در توسعه فعالیت‌های آن بیافزاییم.

چرا که هنر حدیث شریف زندگی دیروز است که امروز هم می‌تواند صور اسرافیلی باشد برای قطع وابستگی‌های ناخواسته ما، زیرا آنچه از این صبح عالمتاب باقی است می‌تواند تکیه‌گاهی استوار و مطمئن برای تحرک و پویایی و خلاقیت و سرافرازی باشد و مطمئن هستیم که با توجه به تغییر و تحولاتی که امروزه در صحنه علمی دنیا به وقوع پیوسته بگونه‌ای که عصر امروز را عصر انفجار دانش و اطلاعات و تکنولوژی نام نهاده‌اند.

تکنولوژی نهفته در هنرهای اصیل و سنتی برگرفته از ارزشهای اصیل و والای انسانی ریشه دار در فرهنگ ارزشمند و ناب انقلابی و اسلامی ما می‌تواند پایه و اساس خودکفایی باشد چرا که هنرهای اصیل سرچشمه‌ای خدایی دارند و در حقیقت همان «بار امانتی» است که حضرت احدیت به آدمی عنایت فرموده است.

تصور بنده این است که این مقدمه هر چند مختصر می تواند زمینه ای باشد برای توجه جدی تر به مسئله هنر و نقش آن در توسعه فعالیت های امور تربیتی چه در مقطع ابتدایی که پایگاه و زیربنای هر آموزشی است و چه در مقاطع آموزشی دیگر به هر حال آنچه مسلم است جایگاه هنر و حاصل آن در دیروز و امروز، در دنیای شتر و کاروانهای قدیمی یا دنیای اطلاعات و ارتباطات و موشک و... یکی است زیرا که آموزش هنر، باروری و شکوفایی احساس و ذوق است و هر جامعه ای که آن را نادیده بگیرد به طور یقین گرفتار عواقب سوء آن خواهد شد شواهد گوناگون، نشان می دهد که هنر و تربیت، موازی و هم جهت می باشند و راهی مطمئن و ارزشمند برای انتقال مفاهیم پیچیده دینی، اخلاقی، ارزشی و معنوی آنها با روش های جذاب، عمیق و آرام و ژرف که نهایتاً تبدیل به پایه ای محکم برای پرورش انسانهای متعالی و متکامل که روند تعلیم و تربیت را به طوری صحیح و اصولی پیموده و به عالیترین اهداف غایی و آرمانی نظام تعلیم و تربیتی ما که همانا چیزی نیست جز قرب الی الله نائل گردند و در پایان این مقدمه نسبتاً طولانی، آنرا با سخنی از آلبرت اینشتین به پایان می برم ایشان می فرماید:

امروزه گاه صرفاً مدرسه را محملی برای انتقال صرف اندوخته های علمی و اطلاعات بشری به ذهن فراگیران می دانند حال آنکه اندوخته های علمی چیزی مرده است و ما با زندگان سروکار داریم و ما باید راه و رسم چگونه زیستن و چگونه اندیشیدن را به آنان بیاموزیم.

والسلام- سید محمدحسینی دقیق- آذرماه ۸۶

تشریح اهمیت جایگاه هنر در جامعه و نظام آموزشی

اگر تاریخ را ورق بزیم و جوامع مختلف را مورد کنکاش قرار دهیم، نهادهای متعددی را در آن جوامع خواهیم یافت که کارشان آموزش آمیزه های دینی و مذهبی مبتنی بر جهان بینی و ایدئولوژی حاکم بر آن جوامع می باشد و نتیجه می گیریم که آموزش دینی و فعالیتهایی که در ارتباط با آن در جوامع مختلف صورت می گیرد همزاد انسان و یک نیاز قطعی و واقعی برای او بشمار می رود و انتقال آن به نسل های آینده نیز در زمره انتقال میراث فرهنگی جوامع است لذا در جامعه اسلامی ما توجه به امور پرورشی و فعالیتهای مرتبط با آن می تواند به عنوان یک مسأله ویژه مورد توجه قرار گیرد زیرا این مسأله حتی یک گرایش عمومی برای اولیاء نیز محسوب می شود و اولیاء نیز مایلند دین و آمیزه های دینی و ارزشهای فرهنگی و تربیتی خود را مثل هر میراث فرهنگی دیگر به فرزندان خود منتقل نمایند.

ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر این اولویت را در انتخاب نوع تربیت: برای اولیاء به رسمیت می شناسد. علاوه بر آن در جوامع معلمان بیشماری هستند که آموزش آمیزه های دینی و تربیتی را به عنوان رسالتی اصلاح طلبانه دنبال می نمایند. علاوه بر آن که کنجکاوی درباره دین و گرایش به آن و علاقمندی به فعالیتهای متنوع فرهنگی و تربیتی یک رغبت قطعی و فطری در کودکان شناخته شده است که این علاقه و رغبت عموماً در سالهای پایانی دبستان بروز و شدت بیشتری پیدا می کند با این وجود آموزش دینی و قرآن و بهره مندی از فعالیتهای متنوع و جذاب بمنظور ایجاد یک نظام تربیتی قوی و مؤثر و پایدار از مسائل بسیار مهم و دارای اولویت می باشد که بسیار مهم و شایسته التفات است که لاجرم باید به آن پرداخته شود و برای پرداختن به آن لازم است به سئوالاتی از قبیل ذیل پاسخ دهیم

کودکان ما مفاهیم دینی را چگونه می فهمند، تربیت دینی و فعالیتهای تربیتی متناسب با آن در سنین مختلف و مقاطع مختلف تحصیلی باید دارای چه خصوصیتی باشد، کدام مفاهیم برای آموزش به دانش آموزان دبستانی یا راهنمایی و یا متوسطه مناسب است؟ آیا فعالیتهای و برنامه های فعلی نظام آموزش ما آنگونه که بایسته و شایسته است توانسته

است در ایجاد نظامی پایدار آموزش و تربیتی را پی ریزی نماید؟

قطعاً برخورداری از یک نظام تربیتی مطلوب، پویا در نظام آموزشی ما آنگونه که شایسته نظام مقدس جمهور اسلامی ما می‌باشد نیازمند پاسخگویی به سئوالات مذکور می‌باشد.

از طرفی دیگر توجه به ویژگیهای ورعی، روانی و رفتاری فراگیران در مقاطع مختلف بمنظور پاسخگویی به سئوالات فوق و پی ریزی یک برنامه مدون آموزشی موفق در فعالیتهای تربیتی امری اجتناب ناپذیر است که فراگیران با ورود به دوره ابتدایی مواجه با یک تحول اساسی می‌شوند. از نظر ظرفیت و تواناییهای ذهنی، برای کسب بسیاری از مسایل آموزشی و تربیتی که قبل از ارتباط مستقیم با مدرسه پیدا نکرده بودند آمادگی پیدا می‌کنند و همچنین تحولات عظیمی در ذهن آنها نسبت به مسائل اجتماعی ایجاد می‌شود و با ورود فراگیران به عرصه آموزش رسمی (مدرسه) و دور شدن از محیط محدود دوره زندگی در محیط خانواده آمادگی بیشتری برای سازگاری با محیط و قبول قواعد و مقررات اجتماعی، آنان را وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌کند که همه و همه حاکی از فرآیند تحولی است که عمدتاً به دلیل ورود فراگیران به دوره های مختلف تحصیلی و پا گذاشتن به محیط آموزش و پرورش رسمی ایجاد می‌گردد.

از طرفی دیگر دوره های تحصیلی مختلف هر کدام متناسب با ویژگی های سنی، ذهنی، رفتاری، اخلاقی و اجتماعی فراگیران دوره شکوفایی بسیاری از استعدادهای دانش آموزان است. شامل استعدادهای هنری، علمی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیستی، اخلاقی و..... و بسیار از خلاقیت ها در این دوره شکل می‌گیرد خصوصاً دوره ابتدایی که از اهمیت ویژه ای در میان دوره های تحصیلی ما برخوردار است.

حال بمنظور بهره مندی از این استعدادهای و جهت دهی مناسب به آن نیازمند یک نظام تربیتی قوی، مطلوب و پویا متناسب با هدفهای غایی و آرمانی نظام تعلیم و تربیتی کشورمان می‌باشیم بدین منظور احیاء مجدد معاونت پرورشی و نهاد امور تربیتی را به فال نیک گرفته و امیدوارم که امور تربیتی بتواند با بهره مندی از هنر فعالیتهای تربیتی را گسترش داده و گامهای مؤثر و بلندی را در جهت زنده نگه داشتن ارزشهای والای انسانی و مذهبی و انقلابی و پرورش انسانهای منطبق بر معیارهای ایدئولوژیکی و جهان بینی توحیدی آنها را در مسیر رشد و تعالی و تکامل قرار داده و در آینده ای نه

چندان دور شاهد پرورش یافتن انسانهایی والا، توانمند، خلاق، مبتکر، و... در نظام تعلیم و تربیت کشورمان باشیم. ان شاء الله و امیدوارم که بنده هم توانسته باشم با زبان الکن و قلم ناتوانم حق مطلب را در امر بهره مندی از هنر در توسعه فعالیت‌های امور تربیتی ادا نموده باشم.

با توجه به مطالبی که ذکر آن گذشت که همه و همه حاکی از اهمیت ایجاد یک نظام تربیتی پایدار در آموزش و پرورش می باشد در ادامه به ذکر راههایی که می تواند بهره مندی از آن تحت مقوله هنر در بالا بردن ظرفیت های نظام تربیتی و امور تربیتی xxx نماید اشاره می نمایم.

چگونه می توان یک نظام تربیتی مطلوب مبتنی بر هنر و فعالیت‌های هنری بوجود آورد

الحمدلله به برکت انقلاب اسلامی، ما ملتی داریم با سرمایه های معنوی با ارزش و توانمندیهای بسیار. اما نکته قابل تأمل این است که ما با وجود داشتن چنین سرمایه های با ارزش که قطعاً پشتوانه بسیار خوبی برای هر نظام آموزشی محسوب می شود تا چه اندازه توانسته ایم از این سرمایه ها و توانمندیها استفاده کنیم.

برای روشن شدن موضوع، سخنی از آقای بهرامپور از کتاب نقدی بر ناکارآمدی آموزش و پرورش نقل می نمایم.^۱ ایشان می فرمایند «دولتی زیرک و باهوش که برای تحصیل به کانادا رفته بود می گفت: اگر بخواهیم سرمایه های معنوی خودمان را با غرب مقایسه کنیم باید به آنها نمره ۱۰ و به خودمان نمره ۱۰۰ بدهیم ولی فرق ما با آنها در این است که ما از ۱۰۰ سرمایه به اندازه یکی استفاده می کنیم و آنها از ۱۰ سرمایه به اندازه ۹ استفاده می نمایند.»

پس ما باید فرصت های طلایی که می تواند در جهت کسب علم و دانش و فراهم شدن زمینه برای پرورش مهارت‌های فکر کردن، مهارت های اجتماعی شدن و مهارت های فنی جهت آماده شدن برای ورود به عرصه زندگی واقعی را فراهم می نماید غافل نشده و آنرا هدر ندهیم و شاید یکی از بهترین راههایی که می تواند زمینه جلوگیری از هدر رفتن چنین فرصت هایی طلایی را بگیرد فراهم نمودن شرایط برای حضور قدرتمند در صحنه فعالیت‌های امور تربیتی و بهره

^۱ - بهرامپور، ابوالحسن. نقدی بر ناکارآمدی آموزش و پرورش در ایران، انتشارات زیبا، تهران ۱۳۸۲

مندی از هنر در توسعه آن به عنوان یک از مقوله های بسیار مهم و جدی و مورد توجه و علاقه وافر بچه ها (فراگیران) دانست.

برای تأکید و توجه بیشتر به این مهم سئوالی را مطرح می نمایم.

چرا هنر؟

قطعاً امروزه کار معلم تنها انتقال یک سلسله مفاهیم به دانش آموزان از طریق نشانه های گفتاری و نوشتاری نیست بلکه مهمترین وظیفه او این است که بداند چه چیزی را به چه کسی و با چه روشی می باید ارائه نماید.

از این رو معلم خوب کسی نیست که تنها یک مطلب را خوب بداند بلکه معلم خوب و شایسته کسی است که بتواند مطلب را متناسب با سن و ویژگیهای اختصاصی دانش آموزان آنها با زبانی متناسب حال او ارائه نماید.

که در این راه با بهره مندی از هنر می توانیم گامهای بلند و مؤثری برداریم. چرا که هنر یکی از قلمروهای بسیار مهم و گنجینه فرهنگی، و... هر جامعه ای محسوب می شود و فرهنگ و ارزشهای دینی و معنوی هر جامعه ای در درجه اول در آثار هنری خلق شده از سوی افراد آن جامعه متجلی می شود و انسان به یاری ادبیات و هنر است که نتوانستن های خود را در ساحت واقعیت جبران می کند و به آنچه که باید باشد و نیست رنگ عینیت و تجلی محسوس می بخشد قطعاً هنر انسان را از دایره تنگ تفرّد و درون گرایی محض خارج کرده و در مسیر تعامل و تکامل اجتماعی و انسانی قرار می دهد و پرواضح است انسانهایی که دستی در هنر ندارند معمولاً دارای افق اندیشه وسیع تر و ژرف تری نسبت به مسائل جهان دارند و می توانند آزادانه از مرز دنیای واقع فراتر رفته و در اوج زیبایی خود ساخته به پرواز درآیند و در این رهگذر رویاهای ناممکن را ممکن سازند.

علاقمندی به هنر و فراهم نمودن زمینه بهره گیری از آن برای دانش آموزان باعث گسترش حس زیباشناختی آنان، تبلیغ ارزشهای معنوی، آشنایی با الگوهای رفتار انسانی والا گسترش باورها و نگرش های مثبت و به طور کلی آزادی انسان از فشارهای ناشی از زندگی مادی می گردد.

و از طرفی دیگر اگر ما بتوانیم با بهره‌گیری از هنر دانش‌آموزان را علاقمند به امور دینی و مذهبی و فعالیت‌های تربیتی نمائیم قطعاً دریچه‌هایی شفاف به دنیای اطراف دانش‌آموزان باز می‌شود که با پیشرفت کار آموزش این پنجره شفافیت و نورانیت آن بیشتر می‌شود و با وجود چنین دریچه‌هایی دانش‌آموزان دنیا و زیبایی‌های آنرا بهتر می‌بینند و نتیجتاً علاقه مندی بهتر و بیشتری به هنر پیدا می‌کنند چرا که اعتقاد داریم که مبانی دینی ما منطبق بر حکمت‌های جهان هستی و منطبق بر فطرت انسانی است و قطعاً آگاهی بیشتر از حکمت‌های جهان هستی باعث رشد دینداری خواهد شد و در پایان این قسمت از نوشته ام به سخنی از استاد جعفر سبحانی اشاره می‌نمایم.

ایشان می‌فرمایند:^۱ «علم و دانش، مطالعه و بررسی آثار دانشمندان غور در قوانین آفرینش، مایه شکفته شدن عقل و خرد می‌گردد. چنانچه ممارست با گناه و همشینی با بدکاران، دیدن مناظر معصیت، مایه ضعف شنوایی و بینایی فرد گردیده و زشتی بسیاری از کارها را از میان می‌برد.

اشاره مختصر به جایگاه هنر در فعالیت‌های تربیتی مذاهب

در مذاهب دیگر بهره‌گیری از هنر نیز مدخلی است برای آموزش و ایجاد علاقمندی به دین و فعالیت‌های تربیتی بگونه‌ای که آقای «عادل توفیق عطاری» در کتاب «القربیه الیهودیه فی فلسطین المتحله و الدیاسپورا» نوشته:^۲ «فهرمانان توراتی مثل قصه حضرت داود، طالوت و جالوت ما مدخلی برای آموزش دین و ارزش‌های دینی است یا جشن زیبای بابائول دوست داشتنی، یک مدخل برای ایجاد علاقمندی به دین است همچنان که سرودهای کودکان، این نقش را در مسیحیت بازی می‌کند.»

متعالی بودن هنر در گذشته و حال

ارجمندی و متعالی بودن هنر گذشته و امروز را، می‌توانیم در یک بررسی کوتاه و در لابه‌لای سرمایه‌های فراموش شده تاریخ دور و نزدیک ببینیم، لازم می‌دانم به یکی از وقایع ناخوشایند که در برنامه‌های آموزشی جهان سوم^۱ وجود

^۱ - سبحانی، جعفر. کتاب مربی نمونه. ناشر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ چهارم - ص ۴۳

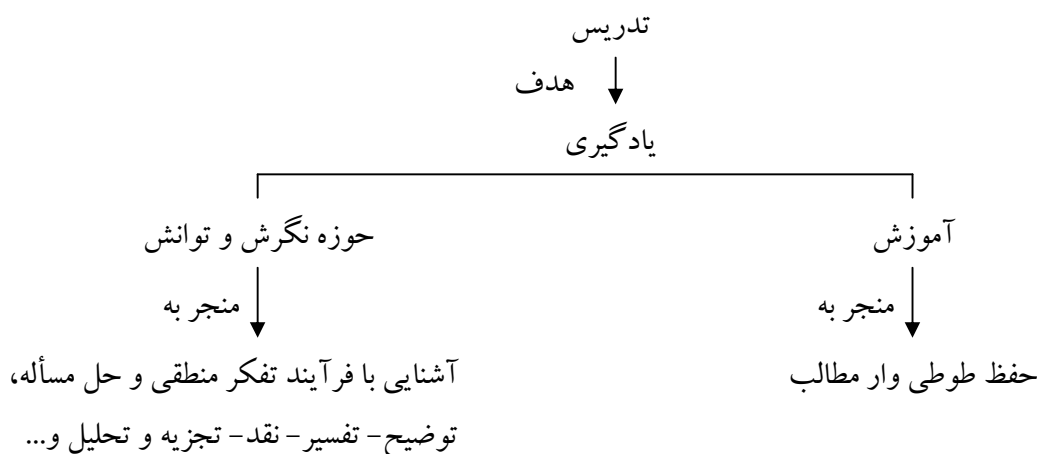
^۲ - مقاله (آموزش دین‌فرایندی فراگیر، ژرف و آرام) نوشته مجتبی صبوری

دارد اشاره نمایم و آن نادیده گرفتن زمینه های آموزش سنتی و تجربی دانش و هنر آن کشورهاست مثلاً همین نادیده گرفتن تجربه آموزشی بسیار ارزنده «حوزه ای» خودمان و جایگزینی روشهای بیگانه با ماست شیوه های برتر از همان فریهای استعماری است زیرا آنچه را امروزه به عنوان روشهای آموزشی برایمان سوغات آورده اند دریافتهای ناقص و حفظ کردنی و نظری به دنبال دارد که جایی برای جستجو و تکاپو و تحقیق و فکر کردن و آشنایی با فرآیند تفکر منطقی و حل مسأله برای فراگیران ما باقی نمی گذارد.

برای روشن تر شدن موضوع و اهمیت پرورش در فرآیند آموزش لازم می دانیم به موضوعی که شاید خیلی از اوقات ذهن من و بسیاری امثال چون بنده را به عنوان معلم درگیر نموده اشاره نمایم.

امروزه با پیشرفتهای سریع علمی بسیاری از نظامهای آموزشی دنیا به دنبال شیوه ها و روش هایی هستند که یادگیری بهتر را تحت عناوین روشهای نوین و فعال تدریس ارائه نمایند. اما بنده نظرم این است که تدریس پویا و فعال در کلاسهای درس ما همان چیزی است که امروز در اهداف کنفرانس امور تربیتی و احیاء معاونت پرورشی نهفته است.

از نظر بنده تدریس پویا با توجه به نمودار شماتیک زیر چیزی نیست جز توجه به بعد پرورشی فرآیند آموزش.



^۱ - منظور از کشورهای جهان سومی امروز تحت عنوان کشورهای توسعه نیافته یا کم توسعه یافته می باشد.

امروزه در فرآیند آموزش ارائه اطلاعات و معلومات و اندوخته های صرف علمی به ذهن فراگیران ره آوردی جز حفظ طوطی وار مطالب را به دنبال نخواهد داشت اما اگر می خواهیم آموزش و پرورش موفق پویا و فعال داشته باشیم قطعاً باید به سوی پرورش گام برداریم و آنچه در نمودار تدریس پویا از پرورش را در ذهن ما متبادر می نماید قطعاً چیزی نیست جز اینکه فراگیران ما بتوانند از اطلاعات و یافته های علمی خود در حوزه دانش در بعد نگرشی و مهارتی استفاده نمایند آن موقع است که می توانیم ادعا نمائیم که ما توانسته ایم در هر دو حوزه آموزش و پرورش موفق باشیم.

زمانی که فراگیران ما بتوانند از دانش خود در علوم، زیست شناسی، فیزیک، ریاضی و... امکان دستیابی به ابزارها و امکانات و روشهایی که حاصل اندیشیدن برای نیازهای فوری و آتی فردی و اجتماعی آنها در سایه پرورش تفکر همگرا را فراهم نمایند و از طرفی سوق داران سمت سوی آموزش به پرورش امکان دستیابی به ابزارها، امکانات و روشهای خلاقه و جدیدی که حاصل اندیشیدن نسل فعلی بشری برای حل معضلات و مشکلات تازه و قدیمی را در سایه شکل گرفتن فرآیند تفکر واگرا و حل مسأله در فراگیران را فراهم می نماید.

توجه به هنر از منظر کتابهای درسی

تربیت و پرورش کودک همواره از وظایف مهم نسل بزرگسال یک جامعه محسوب می شود بر این اساس مربیان تربیتی، والدین و بزرگسالان که به نحوی در ارتباط با کودکان قرار می گیرند همیشه می کوشند به این سؤاها جواب دهند که هدف از پرورش و آموزش چیست؟ و چگونه می توان به این هدف یا هدفها دست یافت؟

وقتی که کتابهای درسی را یکبار با دقت ورق می زنم و اهداف آن را مرور می نمایم از درس عبور از خیابان، اصول نامه نویسی، خانواده آقای هاشمی گرفته تا ایثار و گذشت، محاسبه عملیات تفریق و تقسیم و ضرب، اصول و فروع دین و... به یک نقطه مشترک در اهداف دست می یابم و آن چیزی نیست جز پرورش تفکر همگرا و تثبیت و تقویت حالت همنوگرایی در دانش آموزانمان که این امر بسیار مقبول و موجه و لازم است، چرا که کودک امروز و بزرگسال فردا بتواند به قوانین و مقررات اجتماعی احترام نهاده و با رعایت آنها قوام و امنیت درونی ساختارهای اجتماعی را تقویت

نماید و در نتیجه نظام آموزشی و پرورشی و نظام امنیتی و قضایی ما در آینده کمتر با مسائل و مشکلاتی که برخاسته از حوزه های روانی- تربیتی است روبرو شود. البته این نوع هدف گذاری یعنی تقویت حالت همنوگرایی یک روی سکه است اما روی دیگر سکه که منقوش به تفکر واگرا می باشد که اهمیت آن در توضیح و تفسیر تدریس فعال و پویا گذشت یکی از نقاط اساسی ضعف نظام آموزشی ما در توجه به این نوع سیستم تفکری در کتابهای درسی می باشد و دلیل آن این است.

چرا دانش آموز و دانشجویی که دانشنامه پایان تحصیلاتش را در دست دارد از بکار بستن آموخته هایش در زندگی روزمره عاجز است؟

چرا فارغ التحصیلان دانشگاهی ما قادر به تجزیه و تحلیل ساده از وقایع پیرامونش نمی باشند؟

چرا در نظام اداری کمتر با مدیران کارآمدی روبرو هستیم که خلاقیت را به کارشان اضافه کرده باشند و سیری از تحول و نوآوری را در نظام مدیریت و اجرای کارها و بهبود شرایط کاری و تولید محصولات عرضه کرده باشند؟
چرا در نوآوری و اختراع و اکتشاف نتوانسته ایم پرچمدار ملل باشیم.

براستی منشأ این مشکلات را در کجا بایستی جستجو نمود.

که البته من به طور واضح به آن پاسخ خواهم داد.

پاسخ اینها و شاید دهها و صدها سؤال دیگر از این دست را باید در حذف امور تربیتی از صحنه آموزش و پرورش جستجو کرد آن هم به این دلیل که ما در ریاضیات به کودکانمان می آموزیم $2+2=4$ در علوم به آنها می آموزم ماده چیست و چه خصوصیتی دارد و در فیزیک قانون نیوتن و... را می آموزیم و...

اما در کدامین درس و یا دروس به او می آموزیم که او هم می تواند حرفی برای گفتن داشته باشد؟

در کدامین درس به او می آموزیم که او هم دارای توانمندیها و استعدادهای فراوانی است که اگرچه در ریاضی و فیزیک ضعیف است اما می تواند با ارائه توانمندیهای خود حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد.

آری پاسخ تمامی این سئوالات در این است که ما به فعالیتهای تربیتی فرهنگی و هنری بچه ها بها نداده ایم و به درس هنر هم که در بطن و اساس فعالیتهای امور تربیتی می باشد بی توجه بوده ایم به گونه ای که درس هنر هم تبدیل به یک درس خنثی یا فدایی درسهای دیگر شده است یعنی هر جا که وقت کم آورده ایم هنر را فدای ریاضی و علوم و..... کرده ایم.

اگر ما هنر را فدا کرده ایم یعنی پرورش را فدا کرده ایم.

بعد مهم هنر بعد پرورشی آن است نه بعد آموزشی آن. در حالی که امروزه جایگاه واقعی هنر در مقاطع تحصیلی ما جایگاهی نیست که در خور اهمیت آن باشد ما حتی در نظام تربیتی-خانوادگی خود نیز دچار اشکال بزرگی هستیم و آن این است که تصویر ما از فرزند خوب و با تربیت فرزندی است که حرف شنو، مطیع و آرام که در برابر هر سازی، رقصی متناسب را آغاز نماید و بر همین مبنا کودکی را که خلاق و مستقل و صاحب اندیشه و نظر باشد فضول و گستاخ و بی ادب می پنداریم و با تکیه بر چنین طرز فکری است که در خانه کودکانمان را به جای تشویق و پرداختن به هنر به خواندن علوم و ریاضی و... وادار می نمائیم.

بیاید به کودکانمان اجازه اظهارنظر، داستان گویی و داستان پردازی و انشانویسی و تصویرگری و حجم سازی و نقاشی و غیره را بدهیم. تصور کنید اگر افراد بزرگی چون ابوعلی سینا توانایی نگارش نداشتند چه مصیبتی عارض می شد. اگر امثال او نمی توانستند تفکر و اگرایشان را به صورت مکتوب از خود به جای نهند چه فاجعه فرهنگی ای رخ می داد؟ اما واقعیت این است که بوعلی ها در خانه و مدرسه ها بسیارند و در کنار ما هستند فقط اجازه دهیم که شکوفا شوند و بخشی از اجازه دادن ما تنها با درک اهمیت جایگاه هنر در توسعه فعالیتهای امور تربیتی میسر می گردد.

و اما راههای بهره گیری از هنر در توسعه امور تربیتی

با بهره گیری از هنر فعالان بخش امور تربیتی باید فضایی فراهم نمایند که کودکان در آن فضا آزادانه تخیل و اندیشه کنند حواسشان تقویت شود، ظرفیت های نهفته هوش و تفکرشان پرورش یابد عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت هایشان شکوفا شود.

به جرأت می توان گفت که همه ی کودکان فعالیت های هنری را دوست دارند آن ها در این گونه فعالیتها و هنگام انجام دادن کارهای عملی، طراحی، ساختن، شکست و پیروزی را تجربه می کنند به این ترتیب، زمینه های برای بروز خلاقیت و احساسات آن ها فراهم می شود.

«در هر انسانی چه جوان و چه پیر ذوقی خلاقانه وجود دارد؛ زیرا همه ی ما از تمایل فطری برای استفاده از دست های خود و مواد لازم به عنوان ابزارهایی برای بیان هنری برخورداریم» (جان لنکستر ۱۳۷۳)

تقویت رویکرد تربیت هنری بعنوان هدف گذاری مهم در فعالیتهای امور تربیتی

جروم هاپس من، تربیت هنر را ناظر بر حواس مختلف، رشد تجارب حسی و لمسی حساسیت و برخورد عمیق با جلوه های بصری هنری و نقادی هنرمندانه می داند. در واقع از نظر وی تربیت هنری شامل آموزش ××××× رشد تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و نیز رشد آگاهانه ی تصورات بصری در نقاشی مجسمه سازی، هنرهای تزئینی و آموزش در زمینه ی کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه ی تجارب بصری است که قطعاً توجه به تربیت هنر علاوه بر ابعاد روحی، عاطفی و روانی، از منظر آموزشی و تربیتی هم مورد توجه است در تبیین آنچه «تربیت هنری» نامیده می شود، ابعادی مانند رشد خلاقیت دانش آموزان ادراک حسی عمیق و دقیق نسبت به پدیده های هنری، پرورش حواس مختلف و به کارگیری آن ها، کسب آگاهی غنی و رشد یابنده از تجارب بصری، ساخت و آفرینش پدیده های هنری، شناخت و ارزش گذاری نقادانه ی اشکال نمادین بصری، کسب مهارت های مربوط به تجلی و ابزار هنرمندانه، شناخت فهم تاریخی- فرهنگی، افزایش حساسیت دانش آموز نسبت به ویژگی ها و ابعاد زیباشناختی پدیده های مختلف و دقت و

توجه به طبیعت و عناصر موجود در آن مورد تأکید است که توجه به تربیت هنری در توسعه فعالیت‌های امور تربیتی اهداف زیر را می‌تواند در برگیرد.

۱- زیبا شناسی ۲- ارتباط با طبیعت ۳- آشنایی با تاریخ هنر ۴- تولید محصول هنری ۵- نقد هنری

شاید امور تربیتی در برگزاری اردوهای تفریحی و سیاحتی و یا در برنامه‌های اوقات فراغت خود هزینه‌های زیادی را متحمل شود اما می‌تواند با هدف‌گذاری صحیح روی تقویت تربیت هنری بچه‌ها به اهداف بسیار مهمی در برنامه‌های تربیتی خود دست یابد.

که تا کنون این خلاء در برنامه‌های تربیتی وجود داشته است.

یعنی کمتر ما در برنامه‌های امور تربیتی به فراگیران یاد داده ایم که به جنبه‌های زیباشناختی پدیده‌ها توجه کرده و از آن الهام گرفته و یک اثر هنری را خلق نمایند.

انسان خود زیباترین آفریده‌ی خداوند است و خداوند عالم را به زیباترین صورت ممکن آفریده و در آن صورت‌نگری کرده است «هو الله الخالق الباری المصور الاسماء الحسنی» (حشر / ۲۴)

و شما را او تصویر کرد و صورت بخشید و به بیان دیگر، صورت شما را خلق کرد آن هم نه بر هر صورتی بلکه به زیباترین صورتها.

«خلق السموات و الارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم» (تغابن / ۳)

یعنی شما را در بهترین و زیباترین صورتی که برتر از آن ممکن نیست آفریده است.

زیبایی‌ها، چه آن‌ها که در نمایشگاه طبیعت اند و چه آن‌ها که محصول فکر و ذوق انسانی اند، از دیدگاه اسلام محبوب و مطلوبند و همه، مستند به خدا هستند. آیه‌های متعددی در قرآن مجید زیبایی‌ها را به خدا نسبت می‌دهند و حتی محروم ساختن مردم از زیبایی‌ها را نکوهش می‌کنند:

بهره گیری از هنر به منظور معرفی زیبایی های معقول و معنوی در فعالیتهای امور تربیتی

«قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده» (اعراف/۳۲)

کلمه اخراج در این آیه بیانگر این نکته است که خداوند در قرآن مجید زیبایی های محسوس، معقول و معنوی را تذکر می دهد و آن ها را در برابر دیدگان سر و جان انسان، به تصویر می کشد پس از اولین قدم، آشنا کردن کودکان با زیبایی های محسوس موجود در طبیعت باعث شادی و آماده شدن آن ها برای شناخت زیبایی های معقول و معنوی می شود. در نتیجه کودکان می توانند یافته های خود را به زیباترین شکلی که برایشان امکان دارد در آثار خود نمود بخشند. بر این اساس، آشنا کردن بچه ها با زیبایی ها و توجه به طبیعت به عنوان یکی از آیات و نمونه های زیبایی، اهمیت دارد و باعث تقویت حس زیباشناسی و زیادوستی در آن ها می شود و آن ها را از زشتی ها دور می کند.

که قطعاً یکی از مهمترین اهداف در فعالیتهای امور تربیتی آشنا کردن فراگیران با خوبی ها و بدی ها و زشتی ها و زیبایی ها می باشد تا بدین وسیله آنان با یکی از مهمترین فروع دین اسلام که همانا نهادینه کردن فرهنگ عفاف و پاکی و امر به معروف و نهی از منکر می باشد تحقق یابد و چه راهی بهتر از هنر که به طریقی زیبا بتوان این اهداف را نهادینه کند.

بهره گیری از هنر به منظور ارتباط با طبیعت و توجه به نظم هستی و قدرت خالق یکتا (وحدت در

عین کثرت و کثرت در حین وحدت)

طبیعت برای انسان، کمال است، نهایت زیبایی است و منبع الهام است. هوایی که استنشاق می کنیم آبی که می نوشیم، گلی که می بوئیم، خورشیدی که غروب می کند، پرنده هایی که در پرواز است و... از نظامی تبعیت می کنند که ما هم جزئی از آن هستیم و در آن مشارکت داریم همه ی این وابستگی ها نشانه ی ارزشمند بودن طبیعتی است که با تمامی نیش و نوشش همیشه پویاست و نیرویی را در بطن خود دارد. این نیرو که بر تمامی پدیده ها و روابط انسان با آن ها حکومت دارد. آن نظم عالی است که انسان به عنوان جزئی از کل نظام هستی وابسته به آن و متأثر از آن است. انسان با

دقت در محیط پیرامون خود به نکات و ظرایفی دست یافته و توانسته است به اختراعات و ابداعات تازه ای دست یابد و فراهم نمودن زمینه تفکر و تعمق در نشانه های خداوند و پی بردن به قدرت خالق بی همتا و یکتا که این امر منطبق می شود بر تقویت اصول و پایه های اساسی دین مبین اسلام یعنی توحید، معاد، عدل و.... بگونه ای که خداوند نیز در قرآن

انسانها را سفارش می کند به نظاره دقیق آیات و نشانه های خداوند و تفکر در آن

«و جعلنا الليل و النهار آیتین فمحونا آیه الليل و جعلنا آیه النهار مبصره» (اسراء / ۱۲)

و گردانیدیم شب و روز را در دو نشانه و آیت، سپس محو کردیم آیت شب را و گردانیدیم آیت روز را روشنی بخش و نور دهنده ی چشم

«و فی الارض آیات للموقنین» (ذاریات / ۳۰)

و آن چه در زمین است، نشانه هایی است برای کسانی که یقین آوردند.

«ان فی السموات و فی الارض لآیات للموقنین» (جاثیه / ۳)

و به راستی در آسمان ها و زمین برای مؤمنان نشانه هایی است

«و فی خلقکم و ما بیث من دابه آیات لقوم یوقنون» (جاثیه / ۴)

در آفرینش شما آدمیان و انواع بی شمار حیوان (با خلقت های عجیب) که در روی زمین پراکنده اند هم آیات و براهین قدرت حق برای اهل یقین آشکار است.

در طبیعت ارتباط منظم بین اجزاء، وحدت کل را به وجود می آورد. حکیم ابوعلی سینا در بیان نظم هستی می گوید

«جنبه ی کلیت عناصر، ایجاد کثرت می کند و جنبه ی کیفیت آن ها، همین کثرت را به وحدت باز می گرداند»

بهره‌گیری از هنر در توسعه فعالیت‌های امور تربیتی به منظور آشنایی فراگیران با تاریخ هنر و میراث

فرهنگی در انسان‌سازی و عبرت‌آموزی

در حقیقت میراث فرهنگی، هویت و شناسنامه‌ی هر قوم و ملت است و نشان می‌دهد که آن قوم و ملت چگونه زیسته و در شکل‌گیری تمدن بشری چه نقشی داشته است.

آثار به جا مانده از گذشتگان، ارزش‌های فرهنگی و تربیتی بسیاری دارند. این آثار در رشد و تعالی حیات امروز و فردای انسان مفید و مؤثرند؛ انسان‌ساز و عبرت‌آموزند.

البته شایان ذکر است هنگامی که از میراث فرهنگی صحبت می‌شود، تنها آثار و اشیای قدیمی موجود در خانه‌ها یا موزه‌ها مدنظر نیست میراث فرهنگی شامل تمامی تفکرات، اعتقادات، آداب و رسوم، زبان و هنر در طی زمان است و حتی انسان‌ها را که حاصل دانش و فرهنگ موروثی نیاکان خود هستند و در طول زمان، آن را محفوظ داشته و به کمال رسانده‌اند را شامل می‌شود.

پس امور تربیتی می‌تواند با بهره‌گیری از هنر و فراهم نمودن زمینه توجه فراگیران به تاریخ هنری و میراث فرهنگی گرانبها و منحصر به فرد تمدن اسلامی و ایرانی ضمن آشنا نمودن آنان زمینه‌های لازم را برای علاقمندی هرچه بیشتر بچه‌ها به این میراث گرانبها هدف‌گذاری صحیح و اصولی را در این شیوه‌های هنری اعمال نموده و اهداف تربیتی صحیحی را در این مسیر دنبال نماید.

که بهره‌گیری از فعالیت‌های هنری ذیل که مورد علاقه وافر فراگیران می‌باشد و می‌تواند مورد استفاده مربیان محترم امور تربیتی قرار گیرد.

- قصه‌گویی story telling

یکی از فعالیت‌های خلاق و جذاب برای بچه‌ها در گروه‌های سنی مختلف و در دوره‌های مختلف تحصیلی که به عنوان ابزارهای مؤثر و ارزان قیمت و در قالب‌های مختلف می‌تواند در خدمت امور تربیتی قرار گیرد قصه و قصه‌گویی،

موضوعی آشنا برای همه انسان ها در همه روزگاران و جوامع است انسان ها در سفر و حضر، در غم و شادی، در تنهایی و جمع و حتی در گیرودار جنگ ها و بحران های زندگی با قصه همراه و مأنوس بوده اند. به همین علت قصه را همزاد انسان و زمان شکل گیری نخستین قصه ها را روزهای آغازین زندگی انسان در زمین، می دانند.

قصه تنها، فاتح دنیای کودکان نیست بلکه بزرگسالان نیز در لحظه ی شنیدن یا خواندن قصه درست مثل کودکان، با قصه جاری و همراه می شوند.

مربیان محترم امور تربیتی می توانند از این شیوه هنری مؤثر و تأثیرگذار به منظور ارائه ی آمیزه های دینی و تربیتی حداکثر بهره را ببرند.

«در کتابهای آسمانی با شیوه ای خاص، داستان هایی برای عبرت، تذکر، هدایت و xxx مطرح شده است، تورات، انجیل و قرآن سرشار از داستان هایی هستند از انبیاء، اقوام و تمدن هایی که آمده اند و رفته اند و زندگی آن ها چراغ راه دیگر انسان شده است» (محمد رضا سنگری ۱۳۷۳)

پس می توان از قصه خصوصاً قصص قرآنی که تعداد آنها هم کم نیستند مربیان ما حداکثر بهره را ببرند.

برای تبیین اهمیت موضوع اشاره ای گذرا به کارکردهای قصه می نمایم.

قصه تأثیری عمیق بر روان، زبان، رفتار و شخصیت فراگیران می گذارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- ارتقاء زبان آموزی

۲- انتقال مفاهیم

۳- تقویت حس کنجکاوی

۴- پرورش قدرت تخیل و خلاقیت

۵- آشنایی با واقعیت های زندگی و

البته لازمه تأثیرگذاری مطلوب قصه نیازمند فراهم نمودن مقدمات و شرایطی میباشد که برای نیل به آن نیاز به آموزش مربیان محترم در زمینه بهره مندی هرچه بهتر از آن می باشد.

ضمناً لازم بذکر است که مربیان محترم می توانند با بهره گیری از خلاقیت فردی و استعدادهای هنری فراگیران این فعالیت ارزشمند را توسعه داده و به شکل های مختلف آن را اجرا نمایند.

از جمله

- قصه گویی

- قصه گویی همراه با تقلید صدا و حرکات

- قصه گویی همراه با چهره آرایی

- قصه گویی همراه با ایفای نقش

- قصه گویی با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک

- قصه گویی با استفاده از پرده خوانی

- قصه گویی همراه با نمایش عروسکی

- قصه گویی فردی و گروهی و

- قصه سازی توسط فراگیران و توسعه آن

- طرح قصه های نیمه تمام و اتمام آن توسط فراگیران

- قصه گویی همراه با نقاشی (قصه گو قصه بگوید و مخاطبین موضوع آن را نقاشی نمایند)

- قصه گویی همراه با کتابت

- قصه گویی همراه با شعر خوانی یا شعر سرایی

نمایش خلاق creative dramatic

یکی دیگر از روشهای نو در بهره مندی از هنر در توسعه فعالیتهای امور تربیتی نمایش خلاق است که هم در برنامه آموزشی و هم در برنامه های تربیتی و پرورشی می تواند مورد استفاده قرار گیرد این فعالیت خلاق ترکیبی از «قصه» و «بازی» و «نمایش» است که بصورت سازمان یافته و بوسیله معلم یا مربی با فراگیران در کلاس درس و یا مراکز فرهنگی- اردوگاه های تفریحی- تربیتی و کتابخانه و فضاهای دیگر می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

تئاتر

یکی از فعالیتهای بسیار متنوع و خلاق است که می تواند توسط مربیان محترم امور تربیتی برنامه ریزی و اجرا گردد که متأسفانه با حذف معاونت محترم پرورش در چند سال اخیر این فعالیتهای نیز افول کرده و شاید به جرأت بتوان گفت با توجه به تأثیرگذاری بسیار عمیق و اثربخش احیاء معاونت محترم پرورش امیدوارم که تئاتر جایگاه واقعی خود را در فعالیتهای امور تربیتی پیدا کند.

مربیان محترم امور تربیتی می تواند با هدف گذاری صحیح و اصولی و مرتبط با اهداف آموزش و تربیت از این ابزار هنری قوی در جهت علاقمندی بچه ها و نهادینه کردن فعالیتهای دینی و مذهبی استفاده لازم را ببرند.

پانتومیم

یکی دیگر از فعالیتهای هنری جذاب و مورد علاقه بچه ها می باشد و به منظور ایجاد انگیزه برانگیختن حس کنجکاوی بچه ها در آموزش یکسری مهارتها و فعالیتهای تربیتی می تواند مورد استفاده مربیان محترم امور تربیتی قرار گیرد البته به دلیل گستردگی موضوع از ذکر مباحث تخصصی آن صرف نظر می نمایم.

نمایش عروسکی

این فعالیت را می توان در قالب قصه گویی عروسکی و یا بازیهای عروسکی و نمایش در خدمت ارائه برنامه های آموزشی و تربیتی قرار داد.

بازی

بچه های دهه هشتاد در دنیایی رشد می کنند که ویژگی اصلی آن تأکید بر موفق شدن در همه حوزه هاست بنابراین بچه های امروزی نسبت به بچه های نسل گذشته وقت و فرصت کمتری برای بازی کردن دارند در حالی که دهها سال پژوهش ثابت کرده است که بازی نقش اصلی در سلامت رشد بچه ها از نوزادی تا بزرگسالی دارد حتی بازی از چنان اهمیتی برخوردار است که می گویند بچه ها در بازی زندگی می کنند و زندگی بچه ها عین بازی است.

انجمن جهانی تعلیم و تربیت دوران کودکی (ACEI) نیز نیاز بچه های همه ی گروه های سنی را برای بازی به رسمیت می شناسد و قاطعانه اظهار می دارد که بازی نقش اساسی در سلامت و رشد بچه ها ایفا می کند. پس مریبان امور تربیتی ما می توانند با بهره گیری از بازی و تمایل بچه ها به آن در امر آموزش و کسب مهارتهای اساسی در ارزشهای دینی و امورات تربیتی بهره لازم را ببرند.

که در این قسمت اشاره ای کوتاه به انواع بازیهایی که می تواند اهداف تربیتی را محقق سازد اشاره می نمایم.

- بازیهای بدنی ← به منظور سلامت جسمی برای انجام هرچه بهتر وظایف دینی - تربیتی

- بازیهای اکتسابی

- بازیهای تقلیدی - به منظور آشنایی بچه ها با بعضی از وظایف دینی در قالب بازی تقلیدی

- بازیهای تخیلی

- بازی های با قاعده

- بازی های ذوقی و...

- نقاشی

علاقه وافر بچه ها به نقاشی امری که نمی توان به سادگی از آن گذشت و دست اندرکاران و برنامه ریزان تعلیم و تربیت ما نیز به این مهم پی برده و از آن در امر آموزش تعلیم و تربیت دینی حداکثر بهره را برده اند بگونه ای که اگر نگاهی

گذرا به کتابهای جدیدالتألیف دینی مقطع ابتدایی بیفکنیم پی خواهیم برد که نقاشی توانسته است جاذبه لازم برای جهت دهی به خیلی از مسائل دینی و مذهبی را فراهم نمایند.

- شعر و شعر خوانی

کودکان دنیای عجیبی دارند گویی همه شاعرند دنیایی دارند سرشار از زیبایی و خیال، دنیایی که کینه را در آن راهی نیست اگر کدورتی در دنیایشان وارد شود به سرعت ابرهای بهاری پراکنده می شود و در دنیای آنها گلها خمیازه می کشند، می رقصند و می خندند، کودکان با گیاهان و سنگها حرف می زنند و دوستی می کنند در دنیای آن ها همه چیز زبان دارند و حرف آنها را می فهمند کودکان با ابرها گفتگو می کنند و ماه را از دور می بوسند و به او سلام می کنند ستاره ها از باغ آسمان می چینند و به گردن عروسکشان می آویزند و...

مطالبی که ارائه نمودم صرفاً جهت تشریح اهمیتی است که شعر در دوره ابتدایی و سایر دوره ها به صدر و طرق مختلف می تواند داشته باشد.

چرا که زبان انسان زبان شعرگونه است و اولین کلامی که با پا گذاشتن انسان به این کره خاکی جسم و جان و روح او را نوازشگر شده کلامی آهنگین بنام لالایی مادر بوده است و حتی ما می بینیم وقتی که این انسان از این دنیا می رود باز هم این شعر است که تسلی بخش دل داغدیدگان بوده و سنگ قبر آنان نیز مزین به این کلام آهنگین است. پس شعر می تواند به عنوان یک ابزار قوی هنری در اختیار مربیان و معلمان هم در جنبه آموزشی و هم جنبه تربیتی قرار گیرد در مقام ارزش و اثرگذاری شعر سخن زیاد است و کتابهای زیادی هم به رشته تحریر درآورده اما بنده به سخنی از جانسیس هایز آندورز یکی از مربیان کودکستان فلوریدا بسنده می نمایم.^۱

^۱ - مقاله (شعر ابزار جادویی کلامی) نوشته جانسیس هایز آندورز - ترجمه علی رؤف

ایشان می گوید «شعر در نزد من و تدریس من چیزی بیشتر از جادو است من می توانم به وسیله شعر به طریقه های مختلف و گوناگون بچه ها را برانگیزانم به کلاس جان بدهم و آنها را مشتاق و آماده دریافت مطالب مختلف علمی- آموزشی- اخلاقی- اجتماعی و..... نمایم و بعد برنامه های درسی ام را با موفقیت به اجراء بگذارم»

پس هر معلم و مربی خلاق خواهد توانست با انتخاب اشعار مناسب و مرتبط با اهداف آموزشی و تربیتی چه در داخل و چه در خارج از کلاس درس ارزشهای والای انسانی و دینی را در قالبی زیبا و منطبق بر تخیل زیبای بچه ها به آنها ارائه نماید.

اما آنچه که اثر شعر را صد چندان می کند و بر غنای آموزشی و تربیتی آن می افزاید شیوه های ارائه و خواندن آن است که مربیان محترم امور تربیتی می توانند در قالب تشکیل گروه های سرود کلاسی، مدرسه ای- منطقه ای، شهرستانی هم به صورت فردی و هم گروهی با ذکر شیوه هایی که در ذیل می آید از این ابزار هنری قوی حداکثر بهره را ببرند.

شیوه های گوناگون شعرخوانی^۱

۱- شعر خوانی به شیوه دکلمه

۲- شعرخوانی همراه با آهنگ یا موسیقی

۳- شعرخوانی به شیوه تصویر سازی

۴- شعر خوانی همراه با ساخت کاردستی

۵- شعرخوانی همراه با بازی

۶- شعرخوانی به شیوه داستانی

۷- شعرخوانی همراه با تقلید صدا

۸- شعرخوانی همراه با آهنگ گذاری زبانی

^۱ - مقاله ای تحت عنوان (بهره گیری از آثار ادبی در برنامه زبان آموزشی- سید محمد حسینی دقیق- کتاب زبان آموزی- مشهد مقدس ۱۳۸۵)

- ۹- شعرخوانی همراه با تغییر لباس
- ۱۰- شعرخوانی همراه با چهره آرایشی
- ۱۱- شعرخوانی همراه با معرفی اشیاء و پدیده ها
- ۱۲- شعرخوانی همراه با نقاشی
- ۱۳- شعرخوانی همراه با کتابت و خوشنویسی
- ۱۴- شعرخوانی شعرخوانی همراه با تغییر در تن صدا
- ۱۵- شعرخوانی همراه با نمایش
- ۱۶- شعرخوانی شعرخوانی همراه با ایفای نقش
- ۱۷- شعرخوانی همراه با انجام حرکات موزون
- ۱۸- شعرخوانی همراه با قصه گویی (روش تلفیقی) و ...

بهره گیری از شیوه های جدید هنری مبتنی بر IT و ICT در توسعه فعالیت های امور تربیتی

قطعاً امروزه با رشد سریع فناوریهای نوین که زندگی انسانها را تحت الشعاع قرار داده نظام آموزشی ما نیز باید همسو و هم جهت با آن زمینه بهره مندی از آن و حتی رسیدن به مرحله تولید علم و دانش را فراهم نماید . که این امر مهم نیازمند توجه جدی نظام تربیتی ما به بهره گیری از آن می باشد . چرا که اعتقاد بنده بر این است که آشنایی فراگیران با فناوری ICT و IT خود می تواند در روزمره هنر و هنرآموزی باشد و کمک های بسیار زیادی به توسعه فعالیت های امور تربیتی نماید بطور مثال امور تربیتی می تواند در جهت غنای فعالیت های فرهنگی و تربیتی از فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات حداکثر بهره را ببرد . که مهمترین مورد استفاده آن در برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری تهیه و طراحی محتوای الکترونیک جهت مسابقات فرهنگی و هنری در رشته های مختلف از جمله :

اذان ، اقامه ، نماز ، احکام ، نقاشی ، شعر ، داستان ، مقاله ، قصه نویسی ، سرود ، و ...

که در تمامی زمینه های فوق الاشاره امور تربیتی می تواند با آموزش فراگیران آنها را در جهت تهیه محتوای الکترونیک مبتنی بر فناوری IT و ICT تشویق نماید . تا آنان بتوانند با شیوه های مختلف از جمله برنامه نویسی ، طراحی مسابقات ، تهیه انیمیشن ، فیلم ، و ... هم خودشان در فرایند مسابقات ایفای نقش نمایند و هم مسابقات را با محوریت استفاده از رایانه برگزار نمایند که قطعاً بسیار جالب و مورد علاقه فراگیران نیز واقع خواهد شد .

البته سخن در این زمینه زیاد است و پرداختن به جنبه های مختلف آن خود نیازمند توضیح و تفسیر که در این مقوله نمی گنجد و بنده نیز به همین مقدار بسنده می نمایم . امیدوارم که توانسته باشم حق مطلب را اداء نمایم .

ان شاءالله

سید محمد حسینی دقیق

آموزگار آموزش و پرورش منطقه میان جلگه و مدرس مرکز تربیت معلم دانشور نیشابور

نتیجه گیری

شاید این فرصت بسیار مغتنمی بود برای پرداختن به مقوله هنر و بهره گیری از هنر آموزی و پرورش ذوق و استعداد های فرزندان این مرز و بوم در جهت غنای فعالیتهای امور تربیتی و حقیقت هم همین است که دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور ما بدانند که تفکر دقیق و خلاق و ظرافت هنر و شیوه های هنری همواره برای فرزندان این مرز و بوم بصیرت آورده و دیدگان اهل بصیرت هم اندر دل هر زره ، خورشیدی دیده اند بنده نیز بعنوان عضو کوچکی از خانواده تعلیم و تربیت کشور بر خود فرض دانستم تا با ارائه ی مقاله ای تحت عنوان بهره گیری از شیوه های هنری و هنر در توسعه فعالیتهای امور تربیتی ادای دینی کرده باشم . چرا که همانگونه که در مقاله هم با توضیحاتی که ارائه نمودم اعتقاد دارم که امروزه لازمه ی پرورش انسانهای فرزانه ، و فرهیخته و کمال جو در نظام تعلیم و تربیتی ما میسر نخواهد شد مگر با بهره گیری از هنر چرا که هنر تنها دارای بعد آموزشی نیست آنچه که به هنر و جایگاه آن را در فعالیتهای امور تربیتی اهمیت ویژه می بخشد بعد پرورشی هنر می باشد . که امور تربیتی با تاکید بر آن و توسعه آن در فعالیتهای خود خواهد توانست به اهداف والای تربیتی خود یابد . ان شاء الله ...

سید محمد حسینی دقیق

فهرست منابع و مآخذ:

- نیک خو، مهدی، نقش هنر و رسانه در تعلیم و تربیت، ناشر دارالتقلین قم، ۱۳۷۹
- اسبوران، الکس، اس. پرورش استعداد دهمگانی ابداع و خلاقیت، توجه حسن قاسم زاده، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۶
- کودک چگونه فکر می کند، سنیگر رونسن، ترجمه مصطفی کریمی
- فیل ریس و سالی براون، ۵۰۰ نکته چگونه آموزشگر بهتری باشیم، ترجمه پرویز امینی، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۱
- کتاب مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در دوره ابتدایی، انتشارات تربیت، تهران ۱۳۷۱
- کتاب راهنمای درس هنر، گروه مؤلفان، انتشارات اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی، ۱۳۸۵
- رووف علی، یاد دادن برای یاد گرفتن، انتشارات مدرسه، تهران ۱۳۸۲
- آلیس، سوزان و سوزان و آلن؛ آشنایی با یادگیری از طریق همیاری، ترجمه طاهره رستگار و مجید ملکان:
نشر نی، تهران ۱۳۷۸
- شکر کن، حسین، رابطه میان نگرش و رفتار، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، دوره جدید، شماره اول، زمستان ۱۳۶۶
- کنفرانس جهانی آموزش و پرورش مسلمین در ۱۹۷۷، فصل دوم، مقاله نقش مذهب در آموزش و پرورش، نویسنده محمد قطب
- آمابلی، ترزا، شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه حسین قاسم زاده، نشر دنیای نو تهران ۱۳۷۷
- کتاب زبان آموزی، (مجموعه مقالات همایش زبان آموزی) مقاله (شیوه های گوناگون شعر خوان) نوشته سید محمد حسینی دقیق، نشر تمرین، ۱۳۸۵